

حوادث

سیدخلیل سجادپور - اعضای یک باند مخوف سرعت مسلحانه که با شگرد «مترجم و راهنما» از گردشگران عرب‌زبان زورگیری می کردند در حالی با تلاش ۴۸ ساعته کارآگاهان پلیس آگاهی در جنگ قانون گرفتار شدند که سرکرده باند با همین اتهام در دستگاه قضایی، پرونده در حال رسیدگی دارد.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، عصر بیست و نهم مرداد، دو تبعه خارجی (عراقی) از محل اقامت خودشان در یکی از هتل های هسته مرکزی شهر بیرون آمدند و با فردی تماس گرفتند که قبلا به عنوان راهنمای تورهای گردشگری فعالیت می کرد. آن ها از او خواستند فردی را به عنوان «مترجم» معرفی کند که به زبان عربی و فارسی مسلط باشد تا آن ها را در خرید لباس یاری دهد. مرد مذکور هم شماره «جابر» را به آن ها داد چرا که جابر اهل جنوب کشور بود و به زبان عربی نیز تسلط داشت. طولی نکشید که تماس ها با «جابر» برقرار شد و او از معرف گردشگران خواست برای آن ها تاکسی بگیرد و نشانی ابتدای بولوار خواجه ربیع را بدهد. دقایقی بعد دو گردشگر جوان درون تاکسی نشستند و راننده آن ها را با اطراف میدان امام حسین (ع) برد و در ابتدای بولوار خواجه ربیع (محل قرار) توقف کرد. لحظاتی بعد یک دستگاه پژو ۴۰۵ نیز به محل رسید و «جابر» با همان موهای کم پشت در حالی از خودرو پیاده شد که یکی از دوستانش درون خودرو نشسته بود. این جوان که حدود ۳۰ سال دار، وقتی خود را با زبان عربی به گردشگران تبعه خارجی معرفی کرد، برق خوشحالی در چشمان دو گردشگر درخشید و با اطمینان و به در خواست «جابر» سوار خودروی پژو شدند تا آن ها را برای خرید و گشت و گذار راهنمایی کند. پس از طی مسافتی در خیابان های اطراف خواجه ربیع آن ها جوان دیگری را نیز سوار خودرو کردند که او هم لهجه عربی داشت و از دوستان جابر بود. گردشگران خارجی که نمی دانستند در دام یک باند مخوف سرعت مسلحانه افتاده اند، همچنان از سخن گفتن باسه جوان عرب زبان لذت می بردند و دیگر نیازی به ایما و اشاره برای بیان خواسته هایشان نبود. اما هنوز مدت زیادی از گشت و گذار در خیابان های این منطقه نگذشته بود که ناگهان خودروی پژو در

یک زمین خالی نزدیک کلانتری خواجه ربیع مشهد متوقف شد. در این لحظه ناگهان سلاح های وحشتناک روی سر گردشگران قرار گرفت به گونه ای که برق از چشمان شان پرید! «جابر» و همدستانش در حالی گر دشگران را تهدید به مرگ می کردند که آن ها از شدت وحشت بر خود می لرزیدند و جرئت هیچ عکس العملی را نداشتند. دقایقی بعد مهاجمان مسلح، همه وجوه نقدی، گوشی تلفن و دیگر اموال اتباع خارجی را از آن ها گرفتند و سپس آن ها را در یک منطقه خالی از سکنه رها کردند و از محل گریختند.

با دستور ویژه و تاکید سردار محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان) وارد عمل شدند و تحقیقات گسترده ای را در این باره آغاز کردند اما گردشگران خارجی نتوانستند جز مشخصات ظاهری مانند چهره سبزه و موهای کم پشت سرکرده باند، اطلاعات دیگری را در اختیار پلیس بگذارند چرا که زورگیران گوشی تلفن آن ها را نیز سرعت برداشتند و دسترسی به شماره تلفن هایی که با افراد مختلف تماس گرفته بودند، امکان نداشت. سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده افزود: با توجه به این که ماجرای زورگیری



رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی روز گذشته درباره چگونگی دستگیری اعضای این باند مخوف به خراسان گفت: پس از گزارش این حادثه به کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی، بلافاصله گروه ورزیده ای از کارآگاهان

رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی تشریح کرد:

ماجرای باند مخوف زورگیری از گردشگران



مهدی سلطانیان (رئیس اداره جنایی آگاهی) به رصدهای اطلاعاتی پرداختند و پس از بازبینی دوربین های ترافیکی، چهره زنی متهمان را در دستور کار قرار دادند. با نمایان شدن چهره متهمان، بلافاصله «جابر» مورد شناسایی پلیس قرار گرفت چرا که او بارها با همین اتهام دستگیر شده بود.

مقام ارشد پلیس آگاهی خراسان رضوی با اشاره به آغاز عملیات شناسایی مخفیگاه متهم خاطرنشان کرد: اهمیت موضوع کارآگاهان را بر آن داشت تا در دو گروه عملیاتی و اطلاعاتی به کنکاش در این ماجرا بپردازند. بنابراین گروهی از کارآگاهان زیر نظر سرهنگ حمیدفر (رئیس دایره مبارزه با سرعت های مسلحانه) وارد بانک اطلاعاتی مجرمان شدند و سرخ هایی از مخفیگاه وی را در منطقه بولوار عبدالملک به دست آوردند و بلافاصله گروه عملیاتی وارد عمل شدند. وی چند روزی بعد از کارآگاهان پس از هماهنگی با قاضی اسماعیل عندلیب (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) شبانه محل اختفای متهم در خیابان یاس را به محاصره درآوردند و وی متهم متوجه ماجرا شد و قصد فرار داشت که با تیراندازی پلیس همه راه های گریز را بسته دیدوروی زمین نشست! سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده ادامه داد: فرصتی برای انتقال متهم به پلیس آگاهی وجود نداشت و باید قبل از اطلاع همدستان وی، عملیات گروه دیگر کارآگاهان آغاز می شد به همین دلیل بازجویی ها از وی داخل خودروی پوششی پلیس

آگاهی ادامه یافت و متهم مذکور چند دقیقه بعد اسامی دو همدست دیگر خود را به پلیس لو داد و گفت که آن ها از یک هفته قبل از خوزستان به مشهد آمده و مترصد فرصتی برای زورگیری بودند که گردشگران مذکور

را به بندم می بردند و دیگر نیازی به ایما و اشاره برای بیان خواسته هایشان نبود. اما هنوز مدت زیادی از گشت و گذار در خیابان های این منطقه نگذشته بود که ناگهان خودروی پژو در

یک زمین خالی نزدیک کلانتری خواجه ربیع مشهد متوقف شد. در این لحظه ناگهان سلاح های وحشتناک روی سر گردشگران قرار گرفت به گونه ای که برق از چشمان شان پرید! «جابر» و همدستانش در حالی گردشگران را تهدید به مرگ می کردند که آن ها از شدت وحشت بر خود می لرزیدند و جرئت هیچ عکس العملی را نداشتند. دقایقی بعد مهاجمان مسلح، همه وجوه نقدی، گوشی تلفن و دیگر اموال اتباع خارجی را از آن ها گرفتند و سپس آن ها را در یک منطقه خالی از سکنه رها کردند و از محل گریختند.

با دستور ویژه و تاکید سردار محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان) وارد عمل شدند و تحقیقات گسترده ای را در این باره آغاز کردند اما گردشگران خارجی نتوانستند جز مشخصات ظاهری مانند چهره سبزه و موهای کم پشت سرکرده باند، اطلاعات دیگری را در اختیار پلیس بگذارند چرا که زورگیران گوشی تلفن آن ها را نیز سرعت برداشتند و دسترسی به شماره تلفن هایی که با افراد مختلف تماس گرفته بودند، امکان نداشت. سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده افزود: با توجه به این که ماجرای زورگیری

رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی روز گذشته درباره چگونگی دستگیری اعضای این باند مخوف به خراسان گفت: پس از گزارش این حادثه به کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی، بلافاصله گروه ورزیده ای از کارآگاهان

را به بندم می بردند و دیگر نیازی به ایما و اشاره برای بیان خواسته هایشان نبود. اما هنوز مدت زیادی از گشت و گذار در خیابان های این منطقه نگذشته بود که ناگهان خودروی پژو در

یک زمین خالی نزدیک کلانتری خواجه ربیع مشهد متوقف شد. در این لحظه ناگهان سلاح های وحشتناک روی سر گردشگران قرار گرفت به گونه ای که برق از چشمان شان پرید! «جابر» و همدستانش در حالی گردشگران را تهدید به مرگ می کردند که آن ها از شدت وحشت بر خود می لرزیدند و جرئت هیچ عکس

عملی را نداشتند. دقایقی بعد مهاجمان مسلح، همه وجوه نقدی، گوشی تلفن و دیگر اموال اتباع خارجی را از آن ها گرفتند و سپس آن ها را در یک منطقه خالی از سکنه رها کردند و از محل گریختند.

با دستور ویژه و تاکید سردار محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان) وارد عمل شدند و تحقیقات گسترده ای را در این باره آغاز کردند اما گردشگران خارجی نتوانستند جز مشخصات ظاهری مانند چهره سبزه و موهای کم پشت سرکرده باند، اطلاعات دیگری را در اختیار پلیس بگذارند چرا که زورگیران گوشی تلفن آن ها را نیز سرعت برداشتند و دسترسی به شماره تلفن هایی که با افراد مختلف تماس گرفته بودند، امکان نداشت. سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده افزود: با توجه به این که ماجرای زورگیری

رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی روز گذشته درباره چگونگی دستگیری اعضای این باند مخوف به خراسان گفت: پس از گزارش این حادثه به کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی، بلافاصله گروه ورزیده ای از کارآگاهان

را به بندم می بردند و دیگر نیازی به ایما و اشاره برای بیان خواسته هایشان نبود. اما هنوز مدت زیادی از گشت و گذار در خیابان های این منطقه نگذشته بود که ناگهان خودروی پژو در

یک زمین خالی نزدیک کلانتری خواجه ربیع مشهد متوقف شد. در این لحظه ناگهان سلاح های وحشتناک روی سر گردشگران قرار گرفت به گونه ای که برق از چشمان شان پرید! «جابر» و همدستانش در حالی گردشگران را تهدید به مرگ می کردند که آن ها از شدت وحشت بر خود می لرزیدند و جرئت هیچ عکس

عملی را نداشتند. دقایقی بعد مهاجمان مسلح، همه وجوه نقدی، گوشی تلفن و دیگر اموال اتباع خارجی را از آن ها گرفتند و سپس آن ها را در یک منطقه خالی از سکنه رها کردند و از محل گریختند.

با دستور ویژه و تاکید سردار محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان) وارد عمل شدند و تحقیقات گسترده ای را در این باره آغاز کردند اما گردشگران خارجی نتوانستند جز مشخصات ظاهری مانند چهره سبزه و موهای کم پشت سرکرده باند، اطلاعات دیگری را در اختیار پلیس بگذارند چرا که زورگیران گوشی تلفن آن ها را نیز سرعت برداشتند و دسترسی به شماره تلفن هایی که با افراد مختلف تماس گرفته بودند، امکان نداشت. سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده افزود: با توجه به این که ماجرای زورگیری

رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی روز گذشته درباره چگونگی دستگیری اعضای این باند مخوف به خراسان گفت: پس از گزارش این حادثه به کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی، بلافاصله گروه ورزیده ای از کارآگاهان

سه شنبه اول شهریور ۱۴۰۱
محرّم ۱۴۴۴، شماره ۲۱۰۱۵

خراسان روزنامه صبح ایران

در امتداد تاریکی

وحشت در پشت بام!

بعد از ۲۰ سال زندگی مشترک دیگر حاضر نیستم به خانه همسر م بازگردم چرا که پسرش بعد از این همه محبت و مراقبت اکنون که به سن جوانی رسیده است مرا تا مرز قتل برد و سپس ... به گزارش روزنامه خراسان، زن ۴۰ ساله با بیان این که در خانواده ای بسیار ضعیف بزرگ شدم به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفـت: پدرم کشاورز بود و مادرم نیز باقالی بافی به مـخارج خانواده هشت نفره ما کمک می کرد. همه خواهران و برادرانم از دواج کرده بودند که امید علی به خواستگاری من آمد. او از یک سال قبل همسرش را طلاق داده بود و با سه فرزند خردسالش زندگی می کرد. آن زمان من ۲۰ سال بیشتر نداشتم و عاشق پسر خاله ام بودم اما هیچ وقت نتوانستم در این باره چیزی بگویم، اگر چه بعد ها فهمیدم که پسر خاله ام نیز مرا دوست داشته اما دیگر کار از کار گذشته بود و من با رضایت خانواده ام به خواستگاری امید علی پاسخ مثبت داده بودم. خلاصه در حالی که دختری مجرد بودم مادر سه فرزند شدم و نمی دانستم چگونه با آن ها رفتار کنم. هنوز سه روز از دواج ما نگذشته بود که برای ناهار قیمه بادمجان پختم اما دختر امیدعلی (سمانه) که از بادمجان منفر بود با من درگیر شد و بعد از آن من را با یک مشت مشت زد و من تا شب اشک ریختم ولی بعد از آن همسر ام من عذرخواهی کرد و دلم را به دست آورد، به همین دلیل دیگر سعی می کردم ابتدا به روحیات سه کودکی توجه کنم که اکنون مادر آن ها نام نگرفته بودم. چند سال بعد زندگی من در مسیر تباهی قرار گرفت به گونه ای که همسر م معناد و از شرکت اخراج شد. در این شرایط همه تلاشم را به کار گرفتم تا امید علی را از این منجلاب نجات دهم، با آن که خـودم صاحب دو دختر شده بودم و بیکاری همسر نیز مشکلات حادی به وجود آورده بود اما بالاخره زحماتم به بار نشست و امیدعلی اعتیادش را ترک کرد. بعد از این ماجرا او گواهی نامه پایه یک گرفت و راننده کامیون شد. چند سال بود که زندگی ما با آرامش سپری می شد تا این که روزی همسر م با کامیون تصادف کرده به طوری که همه اندامش در گچ بود، دست و پاها و حتی کمرش دچار شکستگی شدیدی شده بود و من چندی بعد ماه از او در بیمارستان امدادی مشهد مراقبت می کردم. از سوی دیگر مواظب پنج فرزندم نیز بودم تا این که دو تن از فرزندان امیدعلی از دواج کردند و به دنبال سرنوشت خودشان رفتند اما در این میان انوشیروان کوچک ترین فرزند امیدعلی مرا نگران کرده بود. روزی که با همسر ام ازدواج کردم او پسری یک ساله بود که من به سختی از او مراقبت می کردم اما حالا که ۲۱ سال داردمسیر خلاقاری را در پیش گرفته است به طوری که به من توهین می کند و کتکم می زند. او نه درسی می خواند و نه سر کار می رود بلکه تا سپیده دم با دوستانش به مشروب خـوشی و ولگردی مشغول است و گاهی که نزد مادرش می رود او را هم اذیت می کند. مدام انوشیروان را نصیحت می کنم که روش زندگی اش را تغییر دهد ولی او با این جمله که «به تـورطی ندارد» با من جر و بحث می کند و کتکم می زند به گونه ای که همواره دست او صورتم کبود است. با آن که سعی می کردم شرایط روحی و روانی و هیجانات جوانی او را در ک کنم اما معاشرت او با دوستان ناباب مسیر زندگی اش را در ورطه سقوط قرار داده است. در این شرایط یک شب مانند همیشه انوشیروان در حالی که مست بود دیر به خانه آمد و با پدرش درگیر شد. آن شب من در پشت بام منزل مشغول شست و شوی فرش بودم چرا که در روز فشار آب کم بود و امکان شست و شو وجود نداشت. در همین حال انوشیروان که فکر می کردم در باره رفتارهای او چیزی به پدرش گفته ام توهین کنان به پشت بام آمد و با برداشتن پارو مرا به شدت کتک زد. او حتی با دسته همان پارو به سمت پدرش حمله ور شد و چند ضربه هم به پدرش زد، سپس مرا تا لبه پشت بام کشید و قصد داشت به داخل حیاط پرت کند. من به شدت ترسیده بودم که با جیغ و فریادهایم امیدعلی و همسایگان رسیدند و مرا از جنگ او نجات دادند.

بعد از این ماجرا به خانه پدرم رفتم و دیگر قصد ندارم به زندگی مشترک با او بازگردم چرا که احساس می کنم بعد از ۲۰ سال مهر و محبت در حق کودکی که او را از یک سالگی بزرگ کرده ام نباید با من این گونه رفتار شود. من در طول این سال ها هیچ گاه فرقی بین فرزندان خودم و دختر و پسرهای امیدعلی قابل نبودم چون آن ها از مادر محروم بودند و ... گزارش خراسان حاکی است رسیدگی کارشناسی به این پرونده با صدور دستوری از سوی سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) به مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

کلاهبرداران اعزام به سفر زیارتی به چنگ پلیس افتادند

توکلی -عاملان کلاهبرداری با عنوان اعزام به سفر زیارتی مشهد مقدس در کهنوج دستگیر شدند. به گزارش خراسان، جانشین انتظامی شهرستان کهنوج بیان کرد: به دنبال شکایت چند شهروند کهنوجی در جنوب کرمان مبنی بر این که فرد یا افرادی در شبکه های اجتماعی اقدام به کلاهبرداری با عنوان اعزام آنان به مشهد مقدس با پرداخت ۴۵ هزار تومان و تامین سایر هزینه ها به طریق افراد دستور می کنند، موضوع به صورت ویژه در اختیار کار ماموران پلیس فتا قرار گرفت. سرهنگ محمدرضا بیلری اظهار کرد: در این زمینه

نیروهای پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات فرماندهی انتظامی شهرستان کهنوج پس از انجام تحقیقات تخصصی در فضای مجازی هویت چند نفر از متهمان مرتبط با این کلاهبرداری ها را شناسایی کردند و دست بند قانون را به دست های آنان زدند. وی افزود: این متهمان به این شیوه از ۲۰ شهروند کلاهبرداری کردند.

وی به مردم توصیه کرد: از اعتمادی جاوبی دلیل به افراد ناشناس که در فضای مجازی وب شبکه های اجتماعی وعده های وسوسه انگیز می دهند خودداری و در صورت مواجهه با این گونه موارد حتما تحقیق و بررسی های لازم را لحاظ کنند.

به موجب این آگهی از کلیه سهامداران شرکت و یا نمایندگان قانونی آنان دعوت به عمل می آید جهت شرکت در مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده رأس ساعت ۹:۰۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳/۰۶/۱۴۰۱ که در محل دفتر مرکزی شرکت به نشانی: مشهد - شهرک صنعتی طوس - فاز یک - انتهای بلوار صنعت - قطعه ۳۷۰ - شرکت صنایع سنجنش انرژی بهینه سازان توس تشکیل می شود حضور بهم رسانند.

دستور کار جلسه عیار تست از:

۱- تعیین اعضای هیأت مدیره

۲- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده است.

هیأت مدیره شرکت صنایع سنجنش انرژی بهینه سازان توس

آگهی نوبتی اول ماهه اول سال ۱۴۰۱ حوزه ثبتی شهرستان طبرقیه شاندیز
باستاندا ماده ۱۲ قانون ثبت و ماده ۵۹ آئین نامه قانون مذکور اسامی اشخاصی که نسبت به املاک مجهول المالك واقع در بخش ۴ مشهد حوزه ثبتی طبرقیه شاندیز تا آخر سه ماهه اول سال ۱۴۰۱ تقاضای ثبت نموده اند با نوع ملک مورد تقاضا برای اطلاع عموم به شرح ذیل ابلاغی می شود.

۱- ملک ۴۴۴۴ فرعی بنام آقای علی ثابت شاندیز فرزند غلام رضا شندشادنگ یک قلمع زمین مزروعی به مساحت ۲۲۵۴/۱۶ مترمربع
۲- ملک ۴۴۴۴ فرعی بنامهای محمود خادم الخمصه فرزند محمد و مهدی اقااسی زاده شربلاف فرزند غلام علی و محمود معبودی نژاد فرزند باقر هر کدام نسبت به دو دانگ مشاع از شندشادنگ یک قطعه زمین محصور به مساحت ۱۲۱۵/۷۵ مترمربع
۳- ملک ثبتی ۲۴۴۴ فرعی به نامهای احمد صادقی فرزند محمد و مریم پرده از موسیقی فرزند محمد هر کدام نسبت به سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت ۵۷۷/۸۴ مترمربع
۴- قطعات فرور اراضی شاندیز پلاک ۹۶- اصلی
۱- پلاک ثبتی ۲۱۰ فرعی به نام خان علی کلبعلی فرزند محمد ابراهیم شش دانگ یک قطعه زمین محصور منجر مشتمل بر بنا به مساحت ۲۱۸۱/۱ مترمربع
۲- قطعات فرور اراضی اششوره و زشک پلاک ۱۲۰- اصلی
۱- پلاک ۲۷ فرعی بنام حسین احتضاری فرزند محمد ابراهیم به نسبت شندشادنگ یک قطعه باغ به مساحت هفت هزار و دو بیست و نود و نه مترمربع
۲- قطعات فرور اراضی مایان سلفی پلاک ۱۵۰- اصلی
۱- پلاک ۷۲۸ فرعی بنام فرانوه صوری فرزند بهرام به نسبت یک هزار سهم شاع از دو بیست و پنج هزار و بیست و یک سهم مشاع از شندشادنگ یک قطعه زمین به مساحت دو بیست و پنج هزار و بیست و یک مترمربع
۲- پلاک ۷۲۸ فرعی بنام سیداحمد موسوی فرزند سیدحسن به نسبت سه هزارسهم مشاع از دو بیست و پنج هزار و بیست و یک سهم مشاع از شندشادنگ یک قطعه زمین به مساحت دو بیست و پنج هزار و بیست و یک مترمربع - لذا به دستور مواد ۱۶ و ۱۷ قانون ثبت هر کی نسبت به املاک آگهی شده در بالا معترضی می باشد و اینکه بین متقاضیان ثبت و دیگری اقامه دعوی شده و در جریان است میبایستی اعتراض یا گواهی مشعر بر جریان دعوی خود را از تاریخ انتشار آگهی نویشی اول ظرف مدت نود روز و در مورد اصلی ظرف مدت بیست و یک روز به اداره ثبت اسناد و املاک طبرقیه شاندیز تسلیم و رسید دریافت نموده پس از اجرای ماده ۱۸ آئین نامه اصلی قانون ثبت معترضی می بایستی از تاریخ تسلیم اعتراضی به اداره ثبت اسناد و املاک طبرقیه شاندیز ظرف مدت یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مراجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم را از مراجع مذکور اخذ و به اداره ثبت اسناد و املاک طبرقیه شاندیز تسلیم نمایند در غیر اینصورت متقاضی یا نماینده قانونی می نتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت بدون توجه به اعتراضات عملیات ثبتی را ادامه خواهد داد. رئیس ثبت اسناد و املاک طبرقیه شاندیز - م الف ۶۶۶-تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱ - حسن لئونوری- مدیر اداری ثبتی حوزه ملک شاندیز

۱۰۱-۱۴۰۱/۰۵/۱۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱ - حسن لئونوری- مدیر اداری ثبتی حوزه ملک شاندیز